

**یادداشت**

## تمدن خود را پاس بداریم

مهدی معمارزاده

ثبت یک اثر در فهرست آثار ملی، تهیه‌شناسنامه‌یی است که با معرفی ارزش‌های مادی و معنوی همراه اثر، مسولان و مردم را مکلف می‌کند با حفاظت مستمر امکان تداوم حیات اثر را فراهم کرده و آن را همچون یک امانت تحویل نسل‌های بعدی کنند. ارزش‌های همراه با آثار دارای وجوه متفاوتی از جمله وجه زمان و دوره ساخت آن طرح و سبک معماری، نوع کاربری، ویژگیات بدیع و پیوستگی‌های ساختاری است که خالق اثر و استفاده‌کننده از آن بر اعتبار اثر می‌افزایند.

در گستره سرزمین باستانی ایران، آثار فراوانی در قالب اشیای منقول و آثار غیرمنقول وجود داشته و دارد که با توجه به غارت‌های صورت گرفته از دوره قاجار بسیاری از این نفایس ملی امروزه زینت‌بخش موزه‌های مهم دولتی و خصوصی کشورهای مختلف شده‌اند. متأسفانه سیر خروج آثار با شدت و ضعف تا به امروز ادامه یافته است که از جمله می‌توان به تاراج اخیر جیرفت و خروج آثار بی‌نظیر تاریخی، فرهنگی از این منطقه بی‌نظیر باستانی به خارج از کشور اشاره کرد. این واقعه نشان از نبود توجه‌بخشی از جامعه به میراث گرانبهای نیاکان خود دارد که می‌توان آن را به عنوان یک خلاء فرهنگی، اجتماعی به‌شمار آورد. از این رو همچنان شاهد تخریب تپه‌ها، بافت‌ها و بناهای تاریخی در کشور هستیم که توسط افراد سودجو و فرصت‌طلب و در مواردی نیز برخی متولیان ناآگاه صورت می‌پذیرد، این در حالی است که هر یک از ارزش‌های تاریخی، فرهنگی از یک مهره و ستخاق سر به دست آمده از لرستان تا دست‌کندهای عظیم نقش رستم فارس و شیوه شهرسازی ایرانی که براساس اعتقادات و باورهای مذهبی، ملی و هماهنگ با بستر طبیعی و شرایط جغرافیایی در طول زمان شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، بخشی از اعتبار فرهنگی و هویت ایرانیان به‌شمار می‌آیند که می‌تواند جایگاه واقعی ایران را نه به عنوان کشوری تمدن‌ساز بلکه سرمنشأ تمدن جهانیان معرفی و حفظ کند. بنابراین با توجه به توسعه روزافزون کشور در ابعاد مختلف ضرورت حفاظت و نگهداری از نفایس و دستاوردهای ملی بیش از پیش احساس می‌شود که متأسفانه صرفاً تاکید بر ثبت این نفایس در فهرست آثار ملی به عنوان شرط قانونی نگهداری و تداوم حیات آثار ارزشمند موجب شده است که در سال‌های اخیر بسیاری از آثار فاختری که به دلیل غفلت یا عدم شناسایی به ثبت نرسیده‌اند تخریب و نابود شوند که ضرورت دارد مسولان و دلسوزان فرهنگ و تمدن ایران‌زمین هرچه سریع‌تر چاره‌یی برای رفع این نقیصه بیندیشند تا بیش از این شاهد از میان رفتن ارزش‌های بی‌بدیل و تکرارناپذیر فرهنگی، تاریخی کشور نباشم.

توسعه افسارگسیخته و بی‌ضابطه شهرها به ویژه شهرهایی که دارای پیشینه فرهنگی، تاریخی دیرپایی هستند از جمله تهران، اصفهان، شیراز، یزد، کerman، تبریز، مشهد و … موجب شده است که صدمات جدی به بافت‌های تاریخی این شهرها وارد آید، این در حالی است که تجربه کشورهای مشابه در این مورد نشان داده است که تخریب بافت‌های تاریخی صدمات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، روانی، اقتصادی و … برای شهر و شهروندان به همراه دارد. چنانچه پس از گذشت سالیان متوجه کالیته خود درباره بافت‌های تاریخی شده‌اند و در جهت بازگرداندن هویت اولیه به شهرها برآمده‌اند، اشتباهی که هم‌ایک در مهم‌ترین شهرهای تاریخی کشور در حال وقوع است و شهرهای ایران را به کانال‌هایی برای رفت و آمد خودرودها تبدیل کرده و کوفی شهر تعلق به خودرود دارد نه به شهروندان! کافی است به ساخت و سازهای بی‌در حد و جای‌جای شهرها و بدون رعایت وضعیت کالبدی و ساختار طبیعی موجود در حال انجام است نگاهی بیندازیم تا به عمق فاجعه‌یی که کم‌کم در حال شکل‌گیری است، پی ببریم. به ویژه پایتخت کشور که به مانند ویترنی برای فرهنگ جامعه ایرانی است به شدت درگیر چنین ساخت و سازهای غیراصولی و بی‌ارتباط با مفاهیم و معیارهای شهرسازی است. تفکر پشت این ساخت و سازها به هیچ‌وجه به نفع شهر و شهروندان نبوده و به هویت، طبیعت، خلق و خو و اعتقادات مردم و آرامش و آسایش شهروندان منتهی‌انیدشد و صرفاً به تبدیل زمین و آسمان شهر به سرمایه می‌پردازد که برای ایجاد تپل، لول و بزرگراه‌ها هزینه کنند!! لذا ضرورت دارد مدیریت شهرها و در اس آن شورای شهر به منظور دستیابی به راهکارهای علمی و اصولی در خصوص حفظ ارزش‌های شهر به‌ویژه بافت‌های تاریخی و طبیعی و بهره‌برداری از توانایی‌های منحصربه‌فرد آن در جهت رشد و شکوفایی شهر از طریق جذب و هدایت گردشگران بیش از بیش به تعامل با صاحب‌نظران حوزه‌های مرتبط با شهر و شهرنشینی بکوشند و این موقعیت بی‌نظیر را از مردم و کشور دریغ نکنند.

ملتی که روزگاری تولیدکننده و صادرکننده فاخرترین پارچه‌های ابریشمین، ظروف سفالین، فلزی و آجینکه، جواهرات و فنون ساختمانی و غیره در جهان بوده، امروز محصورولتی بی‌کیفیت کشور چین و تایوان را در سرسراسر کشور عرضه می‌کند و جاسایف دارد که در بازارهای تاریخی کشور و حتی میدان نقش جهان که توریست همواره در آن حضور دارد این محصولات به چشم می‌خورند. یکی از مهم‌ترین عوامل این وضعیت را می‌توان کوتاهی مجامع علمی و دانشگاهی کشور در عدم پرداختن به امر پژوهش و تحقیق در جزئیات تولید دستاوردهای ملی و تاریخی و چگونگی توسعه و تقویت آن دانست. یقیناً تشویق هنرمندان و سرمایه‌گذاران به تولید دستاوردهای ملی موجب ارتقای کمی و کیفی صنایع دستی و سایر هنرهای منزوی و حتی از یاد رفته به منظور رقابت در عرصه بین‌المللی خواهد شد. این مهم حس نمی‌شود مگر با احترام گذاشتن و حفظ باقیمانده آنچه در طول قرن‌ها به آن دست یافته‌ایم.



بیبی در و دشت رنگین شده


 نکتور زصورنگر چین شده / عکس‌ها : میلاد پامی

## نشانه‌شناسی یک سنت باستانی

# سیزده بدر؛ عبور از تحریف‌ها و تهمت‌ها

**محمد بقایی (ماکان)**

حاجن دارد که یکی از دوازده خواری مسیح بود. او چنان که معروف است با دشمنان وی قرار گذاشت که در قبال دریافت ۳۰ سکه نقره، مسیح را تسلیم آنان کند. یهودا برای آنکه مسیح را به آنان بشناساند طبق قرار قبلی یکرامت به سوتیش رفت و او را بوسید. دشمنان به این ترتیب دانستند که از آن سیزده تن کدام یک مسیح است. بعد هم او را به صلیب صلیب‌کشیدند. ( به روایت مسیحیان این گونه است اما دین ماصلوب شدن حضرت عیسی را مردود دانسته است)

او سیزدهمین کسی بود که به حلقه و جرگه مسیح و شگردانش درآمد. به این جهت مسیحیان عدد سیزده را نحس می‌دانند. عقاید مذکور در بین دیگر اقوام هم رواج یافت تا حدی که بسیاری از مردم کرد بعد از عدد ۱۲ می‌گویند «زیاده» و عدد سیزده را حتی به زبان نمی‌آورند. ولی دو فرهنگ ایرانی هیچ نشانی از این مفهوم در مورد عدد سیزده یا حتی در مورد دیگر اعداد نیست، زیرا

این جشن ذاتاً حامل بیشترین شور و نشاط و سرور در میان دیگر آیین‌ها است . تاملی دقیق در تاریخ همه جوامع از جمله تاریخ کشورمان نشان می‌دهد که شادی و نشاط عنصر اصلی پیشرفت و ترقی در همه زمینه‌ها به خصوص فرهنگ و اقتصاد بوده است. نمونه بارز آن ایامی است که ایرانیان از هر عاملی برای ایجاد شادی و نشاطی معقول در زندگی خود بهره می‌گرفتند و به همین سبب در شمار جوامع خلاق و پیشرو بوده‌اند ؛ آن زمان که دموکرتیوس «نیزه مرد پارسی» را به عنوان نماد قدرت و ستود . شادی نزد ایرانیان باستان چندان اهمیت داشته که در سرلوحه اغلب کتیبه‌های هخامنشی، آفرینش شادی برابر با آفرینش زمین و آسمان دانسته شده است.

شادی در تمامی آیین‌های ایرانی عبارت است از شور و سرزندگی که حاصل صفای باطن و تنویر روح از طریق ارتباط با مبدء آفرینش است نه از خود بی خود شدن و فراموش کردن جهان و آنچه در او است . شادی‌های مکتوم در آیین «سیزده بدر» یکی از نمادی‌ترین اعمالی است که در تعظیم به خالق جهان می‌توان یافت؛ یعنی شادی حاصل از افکار و اندیشه‌هایی والا که نه تنها میانه‌یی با نجوست ندارد، بلکه حکایات از جوهر زندگی دارد و این مفهومی است که فقط در عبارت «سیزده بدر» – که شرح آن خواهد آمد– قابل فهم می‌شود. سیزده نحس نیست تا آن را «در» کنند. این کلمه در ترکیب «سیزده بدر» به معنای «خارج کردن»، «بیرون کردن» یا «در کردن» نیست، بلکه مقصود از «در» دشت و دره است؛ چنانکه در ترکیباتی مانند «کبک دری» و «در و دشت».

بیبی در و دشت رنگین شده
نکتور زصورنگر چین شده
بنابراین سیزده بدر یعنی رفتن به در و دشت که به هیچ روی ربطی به در کردن نجوست ندارد، زیرا اصولاً در فرهنگ ایرانی و بالمآل در آیین سیزده نوروز صحبتی از نجوست نمی‌شود.

نیاکان ما عدد سیزده را به دلایل استوار– گفته خواهد آمد– فرخنده و خوش‌یمن می‌دانستند. غربیان نیز عدد ۱۳ را بنا به دلایل متعدد نحس می‌دانند که مهم‌ترین سر در داستان یهودای


 نکتور زصورنگر چین شده / عکس‌ها : میلاد پامی

## نشانه‌شناسی یک سنت باستانی

# سیزده بدر؛ عبور از تحریف‌ها و تهمت‌ها

نعره زد عشق که خونین جگری پیدا شد
حسن لرزید که صاحب نظری پیدا شد
فطرت آشفّت که از خاک جهان مجبور خودگری، خودشکنی، خودنگری پیدا شد

انسان ایرانی که سبزه گره زدن در «سیزده بدر» به یاد اوست دارای چنین ویژگی‌هایی است. طبق افسانه‌های ایرانی این انسان از نژاد کیومرث است که به معنای «جاندار میرا» است. او نخستین انسانی است که از عالم مینو بر زمین فرستاده شد. کیومرث زمانی که در جهان مینو بود نامیرا بود، ولی بر زمین آمد تا دین اخلاقی خود را به اورمزد ادا کند و یاور وی باشد. اهریمن از وجود کیومرث آگاه می‌شود و ماده دیوی را ماصور می‌کند تا او را مسموم سازد. کیومرث در سی سالگی از جهان می‌رود و از کالبدش فلزات سودمند پدید می‌آید. اینها دلایلی است بر اینکه عدد سیزده نمی‌توانست برای ایرانیان بدبین و نحس باشد. دلیلی است بر اینکه سیزدهمین روز هر ماهی از جمله فروردین می‌شود که همچون نوروز و مهرگان و دیگر اعیاد و جشنه‌ها مبارک است، بلکه اصولاً عدد سیزده یادآور روزی مبارک در فرهنگ ایرانی می‌شود. اینها دلایلی است بر اینکه عدد سیزده نمی‌توانست برای ایرانیان بدبین و نحس باشد. دلیلی است بر اینکه سیزدهمین روز هر ماهی از جمله فروردین می‌تواند نامبارک باشد. بنابراین اصلاً خرافه‌یی

به نام نجوست سیزده وجود ندارد تا بخواهند آن را بزداینند، بلکه باید حقیقت این سنت را که به سهم خود حافظ تمامیت ارضی ماست بیان دارند که نه نسّمی‌دارند. خرافه‌زدایی در این است که این خرافه وارداتی را از آیین باشکوه سیزده نوروز بزدایند. ولی ساده‌اندیشی است اگر بپسنداریم سنت‌هایی از این دست را می‌شود با تحریف و جعل اکاذیب از ذهن جمعی زدود. اینها روزها و ایام ساختگی نیستند که ریشه در مردم نداشته باشند و به بادی بروند. در آیین «سیزده بدر» که از سنت‌های ارزشمند ایرانی است رمز و رازهای بسیار نهان است که جملگی حکایت از توجه و دلچسپی انسان به این واقعه و اشارتی به دو ساقه ریواس که بدل به انسان شدند. از این روست که در ایران باستان دختران و حتی پسران نزدیک به سن ازدواج باید سبزه‌ها را طوری به هم گره می‌زدند که تا هنگام پژمردن هرگز از هم باز نشوند. یکی دیگر از رسوم درخرو تامل سیزده نوروز این است که سبزه نوروزی و ماهی هفت سین را از محیط بسته خانه خارج کرده و آنها را در محیط واقعی شان بازمی‌گردانیم تا از اصل خویش دور نمانند.

آنچه متعلق به طبیعت است باید دوباره در چرخش حیات و در دور جاودان قرار گیرد و این اشارتی است به حیات مستعار آدمی که از خاک برآمده و در خاک می‌شود. در کتاب‌های تاریخ سیزدهمین روز هر ماه «تیر» نامیده می‌شود و «تیر» نام ستاره‌یی بزرگ و نورانی و خجسته است. بنابراین «تیر روز» یعنی سیزدهمین روز از هر ماه نمی‌تواند برای ایرانیان نحس بوده باشد؛ به خصوص که براساس اساطیر ملی ایرانیان، در این روز سرحد ایران و توران با تیری که از کمان آرش پدید می‌گیرد معلوم می‌گردد و آن چنین است که میان افراسیاب– که بر شهرهای ایران مسلط شده بود– و منوچهر که در قلعه ترکستان مستحصن گردیده بود صلح می‌افتد و این دو موافقت می‌کنند دیدارش به لرزه می‌افتد:



در آیین 'سیزده بدر' که از سنت‌های ارزشمند ایرانی است رمز و رازهای بسیار نهان است

## نگاه

## همايون روز نوروز است\*

حبيب نيكخواه بهرامی

سال به پايان رسيد و سال جديدي آغاز شد – سالی با طراوت و شادابی و سرسبزی . طبیعت جامه نوبر تن خواهد کرد؛ درختان قامت برخواهند افراشت و این شادابی و سرسبزی بر انسان‌ها نیز تاثیرگذار است . نوروز ایرانی که در سرآغاز فصل بهار قرار دارد به تاسی از این دگرگونی طبیعت ، ایرانیان و سایر اقوام و دیگر پاس دارندگان نوروز را به پاکسازی خانه و محله و روستا و شهر وامی دارد . زدودن آلودگی‌ها و پیراستگی محیط با تهذیب نفس و نگرش فرد در خود و اعمالش در طول سال گذشته همراه است . گفت‌وگوی همه با یکدیگر حتی با دشمنان از دیگر محسنات نوروز است . خلاصه آنکه موسم شادی است و بهجت .

واژگان «جشن نوروز» در زبان فارسی قدمتی چند هزار ساله دارد . واژه جشن از ریشه «یز» (Yaz) و «یسن» (Yasn) اوستایی و «یج» (Yaj) در سانسکریت و «ید» (Yad) در فارسی باستان مشتق است که در پهلوی به صورت مصدري «یشتن» (Yastan) دیده می‌شود . واژه نوروز در زبان اوستایی موجود نیست اما در زبان پهلوی مخصوصاً در متن «ماه فروردین ، روز خرداد» دیده می‌شود .

نوروز از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و تعمق است ؛ در نگرشی به عنوان جشن تجدید حیات و بازگشت زندگی به طبیعت ، به مثابه جشنی در باب آفرینش و همچون تجلی‌گاه ابعاد فرهنگی ایران .

جشن‌ها و آیین‌های نوروز پس از اسلام نیز تداوم یافت ، به طوری که جاحظ از دیوانی به نام «دیوان نوروز» نام می‌برد که در آن دبیر مخصوصی نام هدیه‌کنندگان نوروزی و پاداشی را که شاه برای هر یک تعیین می‌کرد یادداشت می‌کرد . (محمدی ، ۱۳۷۴ ، ص ۷۴) رفته رفته جشن نوروز و آیین‌های آن اهمیت گسترده‌تری یافت . اشعار فراوانی به زبان‌های فارسی و عربی به مناسبت جشن نوروز و جشن مهرگان سروده شد و معمولاً در نامه‌های تهنیت به کار می‌رود؛ یا از قصایدی که شاعران ستایشگر در این روز و در وصف این عید و ستایش ممدوح خود می‌سرودند گرفته می‌شد . این اشعار خود به تنهایی موضوع کتابی شده بود که حمزه‌غفصهانی به نام «الاشعار السلوةفی النبروز و المهرجانات» تالیف کرده بود . (همان ، ص ۱۱۶ )

نوروز در زبان و ادب فارسی نیز همچون سنتی زنده و پویا به حیات خود همپای زبان فارسی ادامه داده است . اکثر شاعران بیت‌بایایی مرتبط با نوروز دارند و با استفاده از توانایی‌های زبان فارسی و صناعات ادبی موجود در این زبان به تشریح آن یا بیان مقصود پرداخته‌اند . با گذشت زمان ، پیش و پس از نوروز مراسم ویژه‌یی شکل می‌گیرد که مراسم استقبال از آن در جای جای این کهن‌نیم از شهرها و روستاهای گیلان و مازندران تا خراسان و آذربایجان و همدان و فارس و کردستان و دیگر نواحی با ترانه‌خوانی و شادی و سرور همراه است که تعدادی از آنها عبارتند از: کوسه گیسر، کوشلی، تکم‌چی، سبایچی، یملیک‌چی، نوروز نوسال، نوروزخوانان، نوروز نثار، رشکی و ماسی، آتش افروز و مراسم بسیار مشهور حاجی فیروز با ترانه‌های معروفش .

گذشته از جدید یا قدیم بودن نوروز و اینکه آیا این رسمی اصیل و سوه اسه یا ماسخوذ از اقوام کهن میانرودان، یک نکته حائز اهمیت است و آن نفس خود «نوروز» با کارکردها و تاثیرات مهم اجتماعی آن در گسترده‌ترین مفهوم خود است . بایستی دانست که آیین‌ها را می‌توان به نوعی ساختار عملی باورها و اسطوره‌ها دانست . همان گونه که کاسیر می‌نویسد تاریخ تمدن یکی ملت را می‌توان متشودار تحقق بسط آرمان‌ها و امیال نهفته در اساطیر آنها دانست یا همان گونه که ولادیمیر پراپ ساختارگرا در تفسیر قصه گفته است تصویرگر قاموس و قاعده‌هایی است که زندگی را بر مبنای باورها، ایده‌ها و آموزه‌ها شکل می‌دهد و نظم اجتماعی را سامان می‌بخشد .

نوروز یک میراث است، یک شاهکار است. این شاهکاری از میراث معنوی که نه تنها در ایران، بلکه در حوزه بزرگی از ایران فرهنگی از مرزهای چین تا آسیای غربی در تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان، ترکیه، پاکستان، هند، مصر، عراق و بسیاری کشورهای دیگر پاس داشته می‌شود. در پایان سری به دورترین مرز ایران فرهنگی می‌زنیم؛ منطقه‌یی در جنوب چین که هنوز اقوامی به زبان فارسی سخن می‌گویند و نوروز را بر می‌دارند و چه زیبا و پرشور و احساس، ناده بدیعی این قوم و باورها و آیین‌هایشان را در مقاله «نگاهی به فرهنگ عشایر تاجیک» در کتاب تاجیکان، آریایی‌ها و فلات ایران، صص ۱۸۴–۱۸۱ به تصویر کشیده‌است که با هم به نظر آن‌ه می‌نشینیم. در فلات پامیر، بام جهان تاجیکان و در دامنه‌های جنوبی کوه شتاق، دشتی سبز و بیکران گسترده است و این سبزه‌زار مخملین، شهری کوچک و صمیمی را به نام «تاشقورقان» در آغوش دارد که در آن و در کوه‌ها و مرغزاران پیرامون آن، عشایر فارسی‌زبان تاجیک زندگی می‌کنند که خود را نه عشایر «سرکوهی» می‌نامند. تاشقورقان یکی از شهرهای ایالت شین‌جیان (ایالت خودمختار تاجیکستان) است که عشایر تاجیک این سامان نیز جزء ملت‌های چین به شمار می‌روند. تاشقورقان پس از تبت دومین نقطه بلند مسکونی است که تاکنون بشر در آن زیسته است. کوه افراسیاب و دره شینگان، کوه ستون و کوه شنگار از جمله کوه‌های آن سامان‌اند و رودخانه پرآب تاشقورقان و رود ناربارد زرافشان از میان این سرزمین می‌گذرند. تاجیکان این سامان به شاخه‌یی از زبان فارسی سخن می‌گویند که فارسی سرکوهی (سریقلی) نامیده می‌شود. این زبان از خانواده زبان‌های ایرانی خاور پامیر به شمار می‌رود.

**\* برگرفته از هاتف اصفهانی :**

**همايون روز نوروز است امروز و به فيروزی**

**بر اورنگ خلافت کرد شاه لافتي ماوی**